|  |
| --- |
| **قلمرو زبانی ( 7 نمره )** |
| 0.75 | در گروه کلمات زیر ، معنی سه گروه کاملا درست آمده است ، مشخص نمایید.الف ) مرشد : مراد ، پیر ، سالک ب ) کافی : با کفایت ، لایق ، کار آمدج ) بی شائبه : بدون آلودگی ، با خلوص نیت و صداقت ، پاک ، خالصد ) درایت : آگاهی ، دانش ، مَنُش ه ) وجد : سرور ، شادمانی ، خوشی  | 1 |
| 0.75 | معانی لغات مشخص شده را بنویسید.الف ) یا قرض من از خزانه غیب رسان / یا از کرم خودت مرا ساز غنیب ) در شریعت معنی دیگر مجو / غیر ضو در باطن گوهر مجوج ) با سهم جنگ تو ز نهیب کمند تو / از حلقه ی کمر بهراسد دل سوار | 2 |
| 1.5 | املای صحیح را انتخاب نمایید.الف ) به غلامیت جمله ( منسوب / منصوب )یم / رد مکن گر چه زشت و معیوبیمب ) ز کوی میکده برگشته ام ز راه خطا / مرا دگر ز کرم با ره ( صواب / ثواب )ج ) چون تو فرمان دهی آن روز روان باشد کار / چون تو فرمان ندهی کار بماند ( محمل / مهمل )د ) چون یوسف تهمت زده ، از پاکی دامن / در چشم عزیزان جهان ( خار / خوار ) گشتیمه ) بهار آمد ، نبود اما ( حیاتی / حیاطی ) / در این ویران سرای محنت آورز ) چونت گوید نماز کن ( بگزار / بگذار ) / چونت گوید مکن ، برو مگذار | 3 |
| 0.75 | نقش ضمایر و کلمات مشخص شده را بنویسید.الف ) از در خویشم مران کاین نه طریق وفاستب ) غلام آن لب ضحاک و چشم فتانم / که کید و سِحر به ضحاک و سامری آموختج ) در صدای کوه افتد بانگ من چون بشنوی / جفت گردد بانگ کُه با نعره و هیهای من | 4 |
| 1 | عبارت زیر را بخوانید و به سوالات پاسخ دهید." شیخ فرید الدین عطار نیشابوری ، شاعر و عارف معروف قرن ششم ، کتاب اسرار نامه را به جلال الدین خرد سال هدیه داد و به پدرش گفت : زود باشد که این پسر تو آتش در سوختگان عالم زند "الف ) یک شاخص بیابید.ب ) یک حرف هم پایه ساز ، یک حرف عطف و یک حرف وابسته ساز مشخص نمایید. | 5 |
| 0.25 | تعداد جمله های ساده و مرکب را بنویسید.او چون گل نوروزی ، من ابر بهارانم / شاداب بُوَد این گُل تا چشم تَری دارم | 6 |
| 0.25 | جمله ی زیر را مجهول نمایید.علی ، نامه را نوشته بود | 7 |
| 0.5 | معنی فعل های مشخص شده را بنویسید.ز فکر تفرقه باز آی تا شوی مجموع / به حکم آن که چو شد اهرمن سروش آمد | 8 |
| 0.25 | نوع کلمه ی دیگر ( صفت یا ضمیر مبهم ) را بررسی نمایید.گفتم که بر خیالت راه نظر ببندم / گفتا که شبرو است او از راه دیگر آید | 9 |
| 0.5 | وابسته ی پیشین بیابید.هر انسانی ، پاک متولد می شود / روز شهادت شهید مطهری را روز معلم نامیده اند | 10 |
| 0.5 | فقط دو عبارت شامل نقش تبعی هستند ، بیابید و نوع آن را بنویسید.الف ) با پری رویان ، به خلوت روی در روی آوری / خویش را دیوانه سازی و پری خوانی کنیب ) ساقی بیا و باده دِه اکنون که فرصت است / مطرب بزن ترانه که فرصت غنیمت استج ) قبیله ها همه عاشق شوند با تو ولی / قبیله ای است که مجنون شوند لیلا راد ) دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر / کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست | 11 |
| **قلمرو ادبی ( 5 نمره )** |
| 0.75 | آرایه های " حس آمیزی ، حسن تعلیل ، پارادوکس " را در ابیات زیر مشخص نمایید.الف ) حسن ادب از شیشه بیاموز که هر دم / خم گشتن او پیش قدح بهر سلام استب ) دعوی هستی در این میدان دلیل نیستی است / هر که فانی می شود موجود می دانیم ماج ) از خون چو داغ لاله حصار دل من است / هر جا که بوی خون شنوی ، منزل من است | 12 |
| 0.5 | " جناس " و " ایهام تناسب " را بیابیدنیست از پیچش موی تو مرا روی رهایی / کاین بلایی است که پابند من از روز الست است | 13 |
| 1.25 | در بیت زیر آرایه های خواسته شده را بیابید.از رشک آفتاب جمالت بر آسمان / هر ماه ، ماه دیدم چون ابروان توستتشبیه جناس همسانتشخیص تناسبحسن تعلیل | 14 |
| 1 | نویسندگان آثار زیر را بنویسید.فرهاد و شیرین تحفه الاحرارزندان موصل اسرار التوحید | 15 |
| 1.5 | ابیات را کامل نماییدالف ) عاقبت از خامی خود سوخته / .....................................................................ب ) ...................................................................... / ماند غرامت زده از کار خویشج ) پنهان ز دیده ها و همه دیده ها از اوست / ......................................................................... | 16 |
|  | **قلمرو فکری ( 8 نمره )** |  |
| 1.25 | برای هر آیه و عبارت عربی ، یک بیت شعر هم مفهوم مشخص نمایید.الف ) العبد یدبر و الله یقدرب ) فقولا قولاً لیناًج ) انی اعلم ما لا تعلموند ) انا عرضنا الامانه علی السماوات ...ه ) علَّم آدم الاسماء کلها1 ) نداشت طاقت این بار آسمان و زمین / ظلوم ماست که شد حامل امانت عشق2 ) دشنام خلق را ندهم جز دعا جواب / ابرم که تلخ گیرم و شیرین عوض دهم3 ) گر کار تو نیک است و به تدبیر تو نیست / ور نیز بد است هم ز تقصیر تو نیست4 ) فرشته عشق نداند که چیست قصه مخوان / بیار جام شرابی به خاک آدم ریز5 ) آدمی را او به خویش اسما نمود / دیگران را ز آدم اسما می گشود | 17 |
| 1.25 | زوج ابیات را مشخص نمایید.1 ) نازنین یار من ار ناز کند یا که نیاز / خبر ناز و نیازش تو به صد ناز بیار2 ) گوشم شنید قصه ایمان و مست شد / کو قسم چشم صورت ایمانم آرزوست3 ) هر چه گویند آخری دارد به غیر از حرف عشق / این همه گفتند و پایان نیست این افسانه را4 ) ناز تو و نیاز تو شد همه دل پذیر من / تا زتو دل پذیر شد ، هستی ناگزیر من5 ) ای عاشقان ای عاشقان هنگام کوچ است از جهان / در گوش جانم می رسد طبل رحیل از آسمان6 ) بدین صفت که در آفاق صیت (= آوازه) شعر تو رفت / نرفت دجله که آبش بدین روانی نیست7 ) گفت بر من ختم شد اسرار عشق / جمله ی شب می کنم تکرار عشق8 ) چون خطاب یار شیرین لذیذ / مست کرد آن بانگ آبش چون نبیذ (= شراب)9 ) من ملک بودم و فردوس برین جایم بود / آدم آورد در این دیر خراب آبادم10 ) چون که با کودک سر و کارت فتاد / پس زبان کودکی باید گشاد | 18 |
| 1 | برای هر عبارت ، یک بیت هم مفهوم بیابید.الف ) یاران من ! اگر جنگ چیزهای ارزشمندی از ما گرفت در مقابل درهایی را به روی ما گشودب ) آن چه بود اول می گریختی و این چیست که امروز در می آویزی ؟ آن روز گِل بودم می گریختم ، امروز همه دل شدم ، در می آویزمج ) هر عصب و فکر به منبع بی شائبه ی ایمان و.صل بود که خوب و بد را به عنوان مشیت الهی می پذیرفتد ) عزیزترین رفقای من حُسن سیرت را با صباحت توام داشت1 ) تو گِل بُدی و دل شدی جاهل بُدی عاقل شدی / آن کاو کشیدت این چنین آن سو کشاند کش کشان2 ) نکو روی و خوش خوی و زیبا خصال / ز پانصد یکی را فزون است سال3 ) راست می گویم عدو هم یار توست / هستی او رونق بازار توست4 ) به خدایی که از مشیت اوست /رنج رنجور و شادی مسرور | 19 |
| 4.5 | مفهوم هر یک را بنویسید. ( مختصر و رسا لطفا :)الف ) صورت بی صورت بی حد غیب / ز آینه دل تافت موسی ز جیبب ) مردان بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند ، نه به قوت تنج ) با زمانی دیگر انداز که ای پندم می دهی / کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیستد ) مِسکین خَرَک آرزوی دم کرد / نایافته دُم ، دو گوش گَم کرده ) حکایت نویس مباش ، چنان باش که از تو حکایت کنندو ) زود باشد که این پسر تو ، آتش در سوختگان عالم زندز ) به حرص ار شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم / بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقاح ) از سر تعمیر دل بگذر که معماران عشق / روز اول رنگ این ویرانه ویران ریختندط ) به آنچه می گذرد دل مَنِه که دجله بسی / پس از خلیفه بخواهد گذشتن در بغداد | 20 |